اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت پنجاه و چهار)

انتخاب جهنم

بعد از پایان این دنیا، خدا موجودات شرور را از بین نمی برد و در جهنم تا ابد باقی میگذارد. از اینجا مشخص میشود که خدا صورت مساله ها را پاک نمی کند، بلکه جهان روال خود را ادامه میدهد. بعد از شورش شیطان و عصیان او علیه رحمانیت خدا، موجودیت انسان بخاطر جهالت و غرور در انتخاب الله الرحمن و شیطان مردد ماندند و شک کردند. وقتی خدا به فرشتگان فرمود که میخواهد در زمین آزمایش دیگری برای انسانها و جنها قرار دهد، فرشتگان ماهیت اصلی قضیه را ندانستند و گفتند که ای خدای حکیم، چرا شیاطین جن و انس را در زمین قرار میدهید که فساد و خونریزی میکنند، در حالیکه ما تسبیح تو می گوئیم. اما خدا چیزی میدانست که فرشتگان نمیدانستند و خدا بخاطر رحمت و

علم وسیعش زندگی دوباره داد تا افراد با سرشت پاک در میان فریب خوردگان از جهنم نجات یابند. اینبار دیگر شایستگان جهنم، آتش را به دلخواه خویش انتخاب میکنند. خدا میدانست که کسی مثل ابراهیم، سرشت پاکی دارد و شایسته بهشت است. گفتگوی بین ایمانداران و غیر ایمانداران در قرآن ، بوضوح وضعیت آنان را مشخص نموده است.

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (١٢)

آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است [به آنان گویند] امروز شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آنها جاودانید این است همان کامیابی بزرگ (١٢)

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (١٣)

آن روز مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم گفته می شود بازپس برگردید و نوری درخواست کنید آنگاه میان آنها دیواری زده می شود که آن را دروازه ای است باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد (١٣)

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ (١٤)

[دو رویان] آنان را ندا درمی دهند آیا ما با شما نبودیم می گویند چرا ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و تردید آوردید و آرزوها شما را غره کرد تا فرمان خدا آمد و مغرورکننده شما را در باره خدا بفریفت (۱۴)

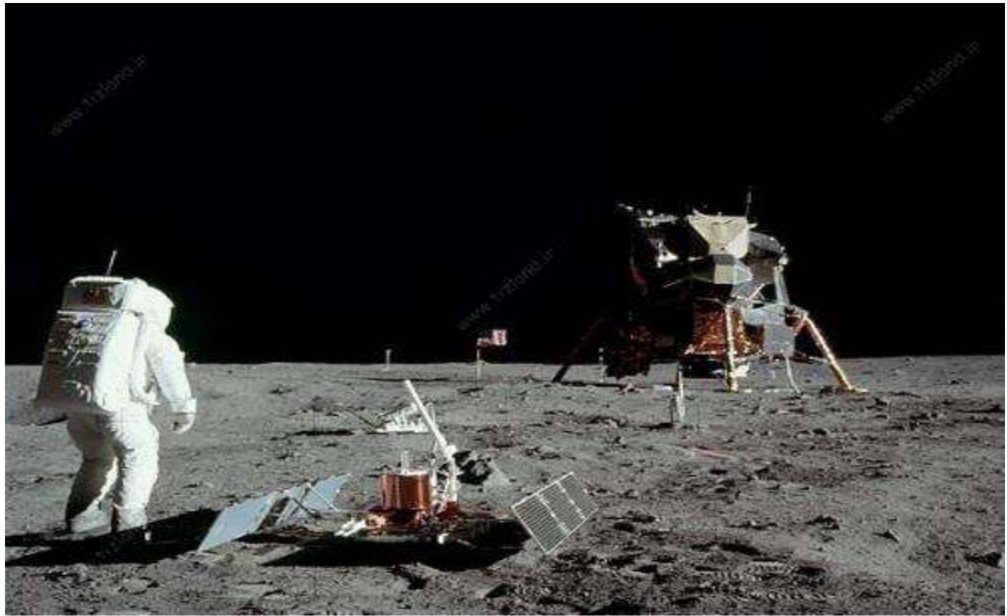
خدا در آیات بالایی می فرماید که مومنین در روز قیامت دارای نور هستند ولی در آن روز ، نور مومنان همراه با آنان راه میرود و انگار به عنوان یدک و همراه آنان عمل میکند. مثل یک وسیله نقلیه، مثل انرژی برای حرکت. اینکه نور افراد، از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است در آیه زیر هم ذکر شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۸﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید به درگاه خدا توبه ای راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد در آن روز خدا پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می گویند پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای که تو بر هر چیز توانایی (۸)

خدا در آیات بالایی می فرماید که مومنین در روز قیامت دارای نور هستند ولی منافقین و کافران نوری ندارند و در ظلمات و تاریکی بسر می برند. نور مومنان در جلو و کنار آنان حرکت میکند و به همین خاطر مومنان براحتی بوسیله این نور مسیر را طی میکنند. اما منافقین در تاریکی و ظلمات مطلق بسر می برند و نمیتوانند حرکتی از خود انجام دهند زیرا هیچگونه انرژیی برای حرکت ندارند

و در تاریکی مطلق بسر میبرند. این که آن محیط چگونه است و چه چیزی است، هنوز مشخص نیست و ما در حد درک و بصیرت خویش تجسم می کنیم. اینکه کافران نور ندارند، به این معناست که آنان در آن روز در ظلمات بسر میبرند و هیچگونه انرژی برای حرکت و یا هر کار دیگری ندارند. این ظلمات و تاریکی خطر بزرگی برای آنها محسوب میشود. زیرا در آنروز حوادث وحشتناکی در زمین و آسمان رخ میدهد و صاعقه و ظلمات و تاریکی مطلق و بارش شهاب سنگ و ... تمام آسمان را در بر میگیرد. هر چند هم اکنون به گفته ستاره شناسان، تاریکی ، رنگ غالب کهکشانهاست. رنگهایی که ما در زمین می بینیم، نتیجه تابش نور است. اما در فضا اصلا چنین چیزی وجود ندارد و تاریکی مطلق حکمفرماست. عکسهایی که از سطح ماه گرفته شده ، نشان میدهد که حتی سایه اشیاء در ماه، تماما تیره است. از آنجا تمام آسمان هم تیره و تار است. ستاره ها آنطوری که در زمین دیده میشوند؛ در فضا قابل مشاهده نیستند. آسمان از سطح زمین، بصورت زینت داده شده دیده میشود.



در آن روز ، بطور پیش فرض تمام کهکشانها تیره و در ظلمات کامل بسر میبرند، یعنی تمام انرژی آنان گرفته شده است. مومنان از آنجا که در این جهان، اعمال صالح انجام داده اند ، نور برای خود فراهم کرده اند و بنابراین آنان در این تاریکی مطلق (تاریکی مطلق یعنی محیط بدون امکانات)، بوسیله نوری که با اعمال صالح و ایمان خود جمع کرده اند، راه می پیمایند تا به مقصد مشخص شده برسند و از آنجا وارد محیط دیگری شوند. اما کافرین و منافقین نوری ندارند و در تاریکی مطلق بدون هیچ کمکی نمی دانند چکار کنند و سر در گم می مانند. تاریکی مطلق برای آنان دلهره آور است. نهایتا خدا میفرماید که : فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ (۱۳) **آنگاه میان مومنان و منافقین دیواری و یا محافظی زده می شود که آن را دروازه ای است داخلش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد. شاید این محوطه ،**

مثل یک کرمچاله و یا چیزی مثل آن است که مومنان وارد آن شده و از خطرات قیامت برپا شده در امان می مانند. مومنان با استفاده از نوری که همراهشان است ، وارد آن محوطه میشوند (يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ**) . اما کافران در تاریکی مطلق نمیتوانند وارد این محیط حفاظدار شوند و در نتیجه جا میمانند، یعنی بدون نور نمیتوان وارد این محوطه شد. محیط حفاظ دار مومنان را از خطرات تاریکی مطلق و صاعقه و بارش شهاب و سایر حوادث و خطرات حفظ میکند و آنان را به بهشت و یا بُعد دیگر منتقل میکند. اما کافران در بیرون از حفاظ میمانند و خدا کافران را در تاریکی مطلق رها میکند و مومنان را از آنجا نجات میدهد. بعد از کوچ مومنان به بهشت، کافران در تاریکی مطلق تنها میمانند. بعد از نجات مومنان؛ کافران در تاریکی مطلق ، بدنبال وسیله و نور میگردند. این قسمت از آیه (**يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ**) بیان میدارد که منافقان در آن روز به نور نیاز دارند و حتی از مومنان تقاضای نور میکنند تا از آن اقتباس کنند و یا از آن استفاده کنند ولی مومنان می گویند که هرکسی باید نور خودش را داشته باشد و میگویند که (**قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا**) به عقب برگردید و نوری را لمس کنید، یعنی به عقب برگردید و وسیله ای برای خود فراهم آورید. اما در آن روز نمیتوان به گذشته و یا عقب برگشت. هر کس هرچی فراهم کرده ، همان است و هر کسی مرهون کارها و اعمالی است که در این دنیای فانی انجام داده است.**

منافقان یک آتشی (انرژی ای و یا وسیله ای) می بینند و آنها از آنجا که هیچ نوری ندارند، جذب آتش میشوند و به طرف آن میروند. این آتش همان آتش جهنم است. آتش جهنم تاریک است و اما سایه آن زرد است. یعنی سایه آتش جهنم به آتش این جهان تبدیل میشود و این نکته از آیه زیر مشخص است. این آیه (انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ **) یعنی بروید به سوی سایه ای سه شاخه و یا سه بُعدی. شاید جهنم سه آفتاب دارد که هر کدام در موقعیت خاصی هستند و یک سایه سه بعدی و یا سه شاخه ایجاد میکنند. جالب است که در ادامه می فرماید این سایه سه بعدی زرد رنگ است(**كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ **).**

انْطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾

بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب میکردید (۲۹)

انْطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾

بروید به سوی [آن] دود سه شاخه (۳۰)

لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾

نه سایه دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت می کند (۳۱)

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾

[دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می افکند (۳۲)

كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ ﴿٣٣﴾

گویی شترانی زرد رنگند (۳۳)

آیات بالایی ثابت میکند که سایه آتش جهنم به آتشی زرد رنگ (آتشی شبیه آتش این دنیا) تبدیل میشود. یعنی آتش جهنم تاریک مطلق است ولی سایه اش به آتش این دنیا تبدیل میشود.

خیلی جالب است که کافرین و منافقین ، این آتش(نار) و یا سایه زرد رنگش را بجای نور انتخاب میکنند. زیرا آنها نور ندارند و بخاطر نجات از تاریکی مطلق و خطرات و ترس از آن، ناچارا آتش جهنم(نار) و شاید سایه اش را انتخاب میکنند و به سمت آن میروند. به همین خاطر خدا میفرماید که در آن روز آتش جهنم برای آنان پناهگاه و یاور است (مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ**). آنان به دلخواه خویش آتش را بر میگزینند. تاریکی مطلق فضا که هر لحظه صاعقه می آید و هرلحظه شهاب سنگ می آید و خطرات بسیار زیاد دیگر ؛ آنان را به انتخاب آتش جهنم راهنمایی میکند. (**مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ**) ماوی و مامن آنان آتش است و علاوه بر آن مولا و سرور آنان هم است و بدترین مسیر و جاده (بدترین انتخاب) است.**

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ (١۵)

پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده اند عوضی پذیرفته نمی شود جایگاهتان آتش است و آتش مولای شماست و چه بد مسیری است (١۵)

آنان نار را بجای نور در این جهان برای آخرت خود انتخاب کرده بوده اند. این دقیقا نتیجه اعمال خودشان است. زیرا بجای تواضع، تکبر؛ بجای صبر، خشم؛ بجای صلح، جنگ؛ بجای صحبت آرام، توهین؛ بجای دوستی، دشمنی؛ بجای کظم غیض، خشم و عصبانیت و عجله؛ بجای مهربانی، کینه؛ بجای نور، النار و ... را رویه زندگی خویش کرده بودند. به همین خاطر در جهان آخرت نوری ندارند و مجبورند نار را انتخاب کنند. تنها آتش (و یا انرژی) موجود در آن قسمت از کیهان، آتش جهنم است. بعدا جهنمیان قصد خروج از آتش جهنم را دارند، اما هر بار که از شدت غم و غصه میخواهند از آتش خارج شوند، تاریکی مطلق و خطرات مربوط به آن ، آنان را دوباره بر میگرداند به داخل جهنم. بنابراین نار جهنم از یک جهت انتخاب است و از جهت دیگر تنها راه و مسیر و تنها حفاظ در مقابل تاریکی مطلق.

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (۱۶)

آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دلهایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دلهایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند (۱۶)

جهنمیان در آن روز بسرکردگی بزرگان خویش که در این جهان از آنان پیروی کرده اند، جذب آتش میشوند.

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ (٩٨)
روز قیامت پیشاپیش قومش می رود و آنان را به آتش درمی آورد و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان است (٩٨)

فرعون و سایر سرکردگان در طول تاریخ که مردم زیر دست خویش را گمراه کرده بوده اند، در تاریکی مطلق، پیروان خویش را به سمت آتش دوزخ راهنمایی میکنند. اما وقتی مردم به آتش دوزخ میرسند و میبینند که واقعا چه بد جایگاهی است؛ در این شرایط جهنمیان، شیطان و رهبران و کسانی که از آنها پیروی کرده اند را بخاطر گمراه کردن آنان، مورد مواخذه قرار میدهند و آنان را لعنت میکنند. اما شیاطین و کبراء جوابی ندارند و تقصیر را به گردن خود تقلید کنندگان می اندازند. شیاطین و کبراء بخاطر روبرو نشدن با گمراهان، به قسمتهای سخت جهنم میروند و در آنجا عذاب بیشتری را می بینند. زیرا در جهنم، هر لعنتی که برای شیاطین انس و جن فرستاده میشود، در دل آنان میماند و تاثیر میگذارد و برخلاف حافظه مردم در این دنیا، حافظه جهنمیان، چیزی را فراموش نمی کند و حرفها و لعنتها بر عذاب آنان می افزاید و لعنتها برای همیشه در وجود آنان میماند. به همین خاطر شیطان وسایر کبراء به قسمتهایی از جهنم میروند که بسیار وحشتناکتر است تا که با گمراه شدگان روبرو نشوند.

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۲۲)

و چون كار از كار گذشت [و داورى صورت گرفت] شيطان مى گويد در حقيقت خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف كردم و مرا بر شما هيچ تسلطى نبود جز اينكه شما را دعوت كردم و اجابتم نموديد پس مرا ملامت نكنيد و خود را ملامت كنيد من فريادرس شما نيستم و شما هم فريادرس من نيستيد من به آنچه پيش از اين مرا [در كار خدا] شريك مى دانستيد كافرم آرى ستمكاران عذابى پردرد خواهند داشت (۲۲)

و به این طریق هر کس عذابش را و جایگاه جهنمی اش را خودش به دلخواه ! خویش انتخاب میکند. البته اگر بیشتر دقت شود، دلخواه در جهنم یک نوع اجبار هم هست.

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۴۷﴾

[ولى] آن روز واى بر تكذيب كنندگان (۴۷)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿۴۸﴾

و چون به آنان گفته شود ركوع كنيد به ركوع نمى روند (۴۸)

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿۴۹﴾

آن روز واى بر تكذيب كنندگان (۴۹)

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۰﴾

پس به کدامین سخن پس از [قرآن] ایمان می آورند (۵۰)